



## خارجی : قوه قضائیه آمریکا - ۸

پدیدآورنده (ها) : علی دوست، یدالله

حقوق :: نشریه قضاوت :: آبان و آذر ۱۳۸۱ - شماره ۱۰

صفحات : از ۷۴ تا ۷۵

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/861262>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۳/۱۱/۲۱

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



## مقالات مرتبط

- جهانی شدن و چالش مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران
- الگوی مدیریت بحران سیاسی در سیره امام خمینی (ره)
- نگاهی نو به حق و تکلیف از دریچه نهج البلاغه
- اعجاز فیزیکی قرآن
- حق و تکلیف
- قرارداد انتقال طلب
- یک کلمه، قانون نه
- «شکایت ثالث از عملیات اجرایی» در مقایسه با «اعتراض ثالث به رأی»
- مدخلی بر خدمات عمومی الکترونیک در نظام حقوقی ایران
- تقسیم خسارت میان مسؤولان متعدد در مسؤولیت قهری
- بررسی استقلال نهاد آمبودزمان با نگاه تطبیقی
- مفهوم و مبانی اصل آزادی تحصیل و ارزیابی دلیل در دادرسی کیفری

## عناوین مشابه

- خارجی: قوه قضائیه در آمریکا (۳)
- خارجی: قوه قضائیه در آمریکا (۱۰)
- خارجی: قوه قضائیه در آمریکا (قسمت آخر)
- خارجی: قوه قضائیه در آمریکا (۶)
- خارجی : قوه قضائیه آمریکا - ۹
- خارجی : قوه قضائیه در آمریکا - ۷
- خارجی: قوه ی قضائیه در آمریکا (۵)
- خارجی: قوه ی قضائیه در آمریکا (۴)
- نظام حقوقی قوه مقننه و قضائیه و مجریه در آمریکا
- نقش قوه مقننه در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا



## قوه قضائیه در آمریکا

دکتر بداله علی دوست  
نسمت هشتم

(۲) از تنظیم کیفرخواست تا آمادگی برای محاکمه.

اولین باری که فرد بازداشت و یا احضار شده در مقابل دادگاهی حاضر می شود که صلاحیت رسیدگی به اتهامات جنایی را دارد زمانی است که متهم در دادگاه برای تنظیم کیفرخواست (arraignment) حضور بهم می رساند. پس از بررسی کیفرخواست متهم ادعای خود را مبنی بر گناهکار یا بی گناه بودن به اطلاع دادگاه می رساند. همانطور که در فصل آینده توضیح داده خواهد شد، در دعوی مدنی متهم می بایست پاسخ شکایت خواهان را بدهد. اما در محاکمات جنایی با توجه به اینکه اصل بر براءت است، متهم نه تنها مجبور نیست که حتی مجاز هم نیست که به شکایت و یا صدور اعلام جرم پاسخی بدهد. اولین باری که متهم رسماً در مورد اتهامات وارده می تواند صحبت کند. در پاسخ به کیفرخواست می باشد. چنانچه متهم اتهامات وارده را انکار نموده و مدعی بی گناه بودن باشد، دولت موظف است تمامی ادعاهای طرح شده در اعلام جرم را با معیار و رای هر شک معقول به اثبات برساند.

**الف) اقرار به گناهکار بودن (guilty plea)**

اکثریت عظیم پرونده های جنایی در دادگاههای فدرال، به دنبال توافق که بین متهم و دادستانی حاصل می شود یا اقرار کردن متهم به گناهکار بودن خود خاتمه می یابد. (بیش از ۹۰ درصد پرونده ها به این صورت خاتمه می یابند). اقرار به گناهکار بودن در هر مرحله از جریان یک پرونده ممکن است صورت بگیرد.

متم ششم قانون اساسی آمریکا به هر متهم جنایی این حق را می دهد که از طریق هیأت منصفه محاکمه شود.

چنانچه متهمی به گناهکار بودن خود اقرار کند از حق محاکمه شدن خود توسط هیأت منصفه صرف نظر می کند. طبق رای دادگاه عالی آمریکا، برای اینکه صرف نظر کردن از حق محاکمه شدن توسط هیأت منصفه معتبر باشد متهم می بایست از روی علم (knowingly)، با زیرکسی و خردمندی (intelligently) و به صورت داوطلبانه از این حق صرف نظر کرده باشد. دادگاهها برای اینکه مطمئن شوند که صرف نظر کردن از حق محاکمه شدن توسط

هیأت منصفه معتبر است لازم می دانند متهمی که از این حق صرف نظر می کند وکیل مدافعی داشته باشد که به صورت مؤثری از حقوق متهم دفاع نموده و پس از مشورت با متهم تنها موقعی توصیه نماید که متهم به گناهکار بودن اقرار کند که به عقیده وکیل احتمال محکوم شدن پس از محاکمه وجود داشته باشد.

مذاکرات مربوط به اقرار به گناهکار بودن منحصراً بین دادستانی و متهم صورت گرفته و دادگاه اجازه ندارد در آن شرکت کند. اما حرف نهایی در مورد قبول یا رد کردن اقرار به گناهکار بودن و مجازات نمودن متهم بر مبنای این اقرار در دست دادگاه است. قبل از آنکه دادگاه اقرار یک متهم را بپذیرد می بایست جلسه ای تشکیل دهد تا مطمئن شود که اقرار از روی علم، با خردمندی و داوطلبانه بوده است. در این جلسه دادگاه می بایست به متهم بگوید که وی حق دارد بخواهد که توسط هیأت منصفه محاکمه شود. علاوه بر این، دادگاه می بایست به متهم بگوید که حداکثر مجازاتی که دادگاه ممکن است اعلام کند چه خواهد بود و اینکه دادگاه در تعیین مجازات مجبور خواهد بود از مقررات وضع شده توسط دولت فدرال در مورد تعیین مجازاتها تمیت کند. دادگاه موظف است مستقیماً از متهم پرسد چنانچه متهم از طریق تهدید مجبور شده است به گناهکار بودن اقرار کند. متهم نیز می بایست به دادگاه بگوید که دولت چه وعده هایی به متهم داده است. ضمناً بدون توجه به اینکه متهم به گناهکار بودن اقرار نموده است قاضی

می بایست به صورت مستقل واقعیات پرونده را بررسی کند تا مطمئن شود که واقعیات پرونده اقرار به گناهکار بودن را تأیید می کند. چنانچه بررسی های یاد شده مشکلی ایجاد نکند دادگاه اقرار متهم را به گناهکار بودن خود قبول نموده و پرونده، پس از تعیین مجازات متهم توسط قاضی، ختم می شود.

**ب) کشفیات قبل از محاکمه (Pretrial discovery)**

در مرحله تنظیم کیفرخواست لیست اتهامات دولت بر علیه متهم کامل بوده و معمولاً کار تحقیق دولت در مورد پرونده نیز کامل شده است. اما متهم در این مرحله هنوز ممکن است اطلاعات چندانی در مورد پرونده نداشته باشد. طبق قانون متهم حق دارد (۱) بداند اتهامات وارده چه هستند (این مسأله در اعلام جرم حل می شود)، (۲) ادله ای را که دولت در اختیار داشته و به تیره کردن متهم و یا کم نمودن مجازات وی کمک خواهند کرد از دولت بگیرد، (۳) به تمامی حرفه های که به پلیس، هیأت منصفه عالی و یا هر مقام دیگری در جلسات ما قبل محاکمه زده است دسترسی داشته باشد و (۴) سابقه جنایی خود را از دولت بگیرد. علاوه بر این، متهم حق دارد هر سند، مدرک و یا چیزی را که در اختیار دولت است بررسی نموده و از آنها کپی بگیرد. چنانچه متهم نشان دهد که سند، مدرک و یا چیز مزبور تا حدی مربوط به پرونده است (به عبارت دیگر، متهم حق دارد تمامی اسناد، مدارک و اشیایی را که دادستانی در اختیار داشته و می خواهد

دیگر، در یک محاکمه تعیین اینکه آیا متهم از نظر اخلاقی گناهکار است یا بی گناه موضوع اصلی نیست. موضوع اصلی این است که حل اختلاف بین متهم و دادستانی با استفاده از مقررات فدرال حاکم بر ادله باشد.

با توجه به آنچه گفته شد، در مرحله آمادگی برای محاکمه طرفین دعوا سعی می کنند که بهترین روش را انتخاب کنند تا در این اختلاف پیروز شوند. از آنجا که مهمترین وظیفه دادگاههای ناحیه مشخص نمودن واقعات است، اولین قدم در مرحله آمادگی برای محاکمه این است که هر طرف دعوا سعی می کند بهترین و مؤثرترین راه عرضه ادله را در جریان محاکمه برای تأسیس واقعات مورد اختلاف انتخاب نماید، دومین قدم در این مرحله این است که هر طرف سعی می کند که راه سر و کله زدن با موضوعات قانونی قابل پیش بینی را مشخص نماید. با در نظر گرفتن این مسائل، انتخاب اعضای هیأت منصفه راهنمایی نهایی (final instruction) هیأت منصفه توسط قاضی دو تا از مهمترین موضوعات قانونی هستند که در مرحله آمادگی برای محاکمه مورد توجه طرفین دعوا قرار می گیرند.

قبل از انتخاب اعضای هیأت منصفه دادگاه از افرادی که دعوت شده اند سوالاتی می کند. تعدادی از اعضای بالقوه هیأت منصفه با عذر موجه حذف می شوند. چنانچه یکی از طرفین دعوا نشان دهد و یا چنانچه قاضی خود قانع شود که به دلیل تعصب، پیشداوری و یا داشتن منافع شخصی یکی از اعضای بالقوه هیأت منصفه نخواهد توانست نسبت به دادستانی و یا نسبت به متهم بی طرفانه و عادلانه قضاوت کند، آن فرد از عضویت در هیأت منصفه محروم خواهد شد. تعداد افرادی که با عذر موجه ممکن است از عضویت در هیأت منصفه محروم شوند نامحدود است. علاوه بر این، در جریان انتخاب اعضای هیأت منصفه دادستانی و متهم هر کدام می توانند بدون عرضه هیچ دلیلی از دادگاه بخواهند که از قبول تعدادی افراد به عضویت هیأت منصفه خودداری شود. تنها محدودیت در این مرحله این است که متهم و یا دادستانی نمی توانند فردی را تنها به دلایل نژادی از عضویت در هیأت منصفه محروم کنند.

دادستانی حق دارد جلو ۸ نفر، و متهم جلو عضویت ۱۰ نفر، را از این طریق بگیرد. در مرحله آمادگی برای محاکمه طرفین دعوا کوشش می کنند تا با استمداد از اطلاعات جامعه شناسی تعیین کنند که جلو عضویت چه تیپ افرادی را اگر بگیرند بیشتر مفید خواهد بود.

یکی دیگر از مهمترین فعالیتهای مرحله آمادگی برای محاکمه آماده کردن گواهان برای شهادت دادن است. وکیل حق ندارد محتوای شهادت شاهد را تعیین نموده و به شاهد بگوید که چگونه شهادت دهد. اما تمرین کردن روی نحوه شهادت و تعیین چهارچوبی ای جهت عرضه شهادت اشکالی ندارد.

را داشته و رفتار پلیس نیز مغایر قانون اساسی نبوده است.

پس از تسلیم درخواستی به دادگاه، طرف مقابل در مدتی محدود (که قانون تعیین نموده و در مورد درخواستهای متفاوت فرق می کند) می بایست به درخواست پاسخ بدهد. هر واقعت مطرح شده در درخواست متقاضی که طرف مقابل آنرا انکار نکند از طرف دادگاه مورد قبول واقع خواهد شد. برای رفع اختلافات مربوط به واقعات دادگاه تشکیل جلسه داده و این جلسات یک نوع محاکمه هستند (با این تفاوت که هدف محاکمه تعیین مجرم بودن و یا مجرم نبودن متهم نیست بلکه هدف حل مشکل دیگری است). به طور کلی، بار مسؤلیت اثبات واقعات طرح شده در هر درخواست به عهده تسلیم کننده درخواست به دادگاه است. این قاعده کلی دارای دو استثنای مهم است. اول، چنانچه متهم ادعا کند که پلیس بدون رعایت حقوق میراندا با متهم صحبت نموده است، دادستان می بایست ثابت کند که حقوق میراندا متهم رعایت شده است (در غیر این صورت آنچه متهم گفته است نمی تواند در دادگاه مطرح شود).

دوم، چنانچه متهم نشان بدهد که پلیس بدون حکم بازرسی و تفتیش محلی را که متهم در آن به صورتی معقول انتظار آرامش و ایمنی (privacy) داشته مورد تفتیش قرار داده است، دولت موظف است نشان بدهد که بازرسی و تفتیش محل مورد نظر موجه بوده است (در غیر این صورت ادله به دست آمده قابل عرضه در دادگاه نخواهد بود).

چنانچه در حل یک درخواست دادگاه ناحیه علیه متهم نظر بدهد متهم نمی تواند بلافاصله از دادگاه حوزه بخواهد که تصمیم دادگاه ناحیه را مورد تجدید نظر قرار بدهد، ولی اگر تصمیم دادگاه ناحیه بر علیه دولت باشد، دولت می تواند بلافاصله از دادگاه حوزه تقاضای تجدیدنظر کند. علت این امر آن است که متهم می تواند از دادگاه حوزه بخواهد تا هر تصمیم نهایی دادگاه ناحیه را مورد تجدیدنظر قرار بدهد. اما دادستانی اجازه ندارد از تصمیم نهایی دادگاه ناحیه تقاضای تجدیدنظر نماید. با این حساب، چنانچه دادگاه ناحیه در حل درخواستی مرتکب اشتباهی شده باشد و این اشتباه به ضرر دولت باشد تنها زمانی که دولت می تواند اشتباه را تصحیح کند زمان قبل از صدور حکم نهایی دادگاه ناحیه می باشد.

### ۳) آمادگی برای محاکمه.

در صورتی که پس از پایان درخواستهای قبل از محاکمه متهم و دادستانی برای ختم پرونده به توافق نرسیده باشند طرفین می بایست برای محاکمه آماده شوند. هر چند ممکن است برای توده مردم محاکمه یک متهم مکانیزمی باشد که در آن دادگاه می خواهد حقیقت (truth) را درک کند، در عالم واقع محاکمه جریانی است که در آن پاینده واقعت تصمیم می گیرد که آیا دادستانی تمامی اجزا و المانهای جنایتی را که مدعی است متهم مرتکب شده با معیار ورای هر شک معقول به اثبات رسانیده است یا خیر. به عبارت

در محاکمه عرضه کند و یا برای دفاع از متهم مهم هستند قبل از محاکمه بررسی نموده و یا از آنها کپی بگیرد). اما دادستانی حق ندارد ادله ای را که در اختیار متهم هستند تنها به این دلیل که این ادله مهم هستند بررسی نموده و یا از آنها کپی بگیرد. دولت حق دارد تنها آن سری مدارک و اسناد و اشیایی را که در اختیار متهم هستند بررسی و یا کپی کند که (۱) مشابه آنها را دولت به متهم داده است و (۲) متهم قصد دارد از آنها در دفاع از خود استفاده کند.

قبل از شروع محاکمه متهم حق ندارد اسامی و یا گفته های گواهان دولت را از دادستانی دریافت کند. اما پس از بازجویی مستقیم هر گواه دادستانی موظف است تمامی گفته های آن گواه را (چه آنچه در دادگاه عرضه شده و چه آنچه در دادگاه عرضه نشده است) در اختیار متهم بگذارد تا متهم بتواند از این گفته ها در بازجویی خود از این گواهان استفاده نماید.

برای انجام کشفیات قبل از محاکمه، طبق مقررات محلی دادگاههای ناحیه (مقرراتی که هر دادگاه ناحیه حق دارد برای خود وضع و اعلام کند) دادستانی و وکیل مدافع متهم در جلسه ای حضوری شرکت نموده و سعی می کنند مسائل مربوط به کشفیات را حل کنند. چنانچه جلسه مزبور تمامی موضوعات را حل نکرد، وکیل مدافع با تسلیم درخواستی از دادگاه می خواهد تا برای حل موارد اختلافی حکم صادر کند.

### ج) درخواستهای قبل از محاکمه.

با تنظیم کیفرخواست و ثبت اظهار بی گناه بودن توسط متهم موضوعاتی که باید در جریان محاکمه حل شوند روشن و مشخص می گردد. اما قبل از شروع محاکمه موضوعات مختلفی هستند که دادگاه می بایست روشن کند. این موضوعات را می شود به دو دسته تقسیم کرد. دسته اول موضوعاتی هستند که در رابطه با قدرت دادستانی بوده و صلاحیت دادگاه را برای بررسی جرم اتهامی و یا صادر کردن حکمی بر علیه متهم به زیر سؤال می کشند. دسته دوم این درخواستها به قابل عرضه بودن ادله در دادگاه و یا دسترسی داشتن طرفین دعوا، قبل از شروع محاکمه، به ادله می باشد. دادگاههای فدرال از شروع محاکمه که موضوعات تا سر حد امکان قبل از شروع محاکمه حل شوند. به همین جهت بسیاری از موضوعاتی که می توانند در درخواستهای قبل از محاکمه حل شوند چنانچه همزمان با تنظیم کیفرخواست یا در مدت زمانی کوتاه پس از آن، به عرض دادگاه نرسند، قابل طرح در دادگاه نخواهند بود. به عنوان مثال، فرض کنید که متهم معتقد است که (۱) دادگاه صلاحیت صادر کردن حکمی بر علیه متهم را نداشته و (۲) چگونگی عملکرد پلیس پس از دستگیری متهم مغایر یا قانون اساسی بوده است. چنانچه همزمان با تنظیم کیفرخواست و یا در مدت زمانی کوتاه پس از آن متهم از دادگاه درخواست نکند که در رابطه با این دو موضوع تصمیم بگیرد، دادگاه فرض را بر این خواهد گذاشت که صلاحیت صادر کردن حکم بر علیه متهم